

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی-پژوهشی
سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

معرفی محمد قلی سلیم طهرانی و خصایص سبکی دیوان وی

(ص ۱۲۸-۱۰۹)

احترام رضایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده:

محمد قلی سلیم طهرانی (متوفی ۱۰۵۷ ه.ق) از شعرای برجسته سبک هندی و از سرچشمه‌های مطرح این سبک است که همزمانی حیاتش با بزرگانی چون صائب تبریزی و کلیم کاشانی باعث شده، کمتر مورد توجه محققین ادب فارسی واقع شود. با آنکه تاکنون دوبار دیوان وی به زیور طبع آراسته گردیده؛ اما تحقیق جامعی در شرح احوال و آثار وی انجام نگرفته است. در این مقاله برآنیم ضمن معرفی سلیم طهرانی به بررسی سبک فکری و ادبی اشعار وی بپردازیم. برای نیل به این هدف نخست در مقدمه به شرح احوال وی و پیشینه تحقیق می‌پردازیم و سپس ضمن بررسی تأثیر و تأثر او با دیگر شعرا، به بررسی محورهای فکری، ادبی و زبانی اشعار او خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: سلیم طهرانی، قرن یازدهم، سبک هندی، تمثیل، مضمون‌گرایی.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور em12_rezaee@yahoo.com

مقدمه:

محمد قلی سلیم از طایفه شاملو و از قریه طرشت تهران است. لطفعلی بیگ آذر محل پرورش وی را تهران و قزوین نوشته است. (تذکره آتشکده آذر، لطفعلی بیگ آذر، ص ۱۵) از تحصیلات و کودکی شاعر اطلاعات چندانی در دست نیست. «چنانکه نوشته اند تحصیلات منظم مدرسه بی نداشت ولی چنانکه از شعرش دریافت میشود گذشته از استعداد فطری، از دانشهای زمان خود بی اطلاع نبوده است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۲، ص ۱۱۵۹) در جوانی مدتی با ملا واصب قندهاری و ملا صبوچی ملازم میرزا عبد الله - وزیر لاهیجان - بود. سلیمی در لاهیجان ازدواج نمود و صاحب پسری شد. (تذکره الشعرا، محمد طاهر نصر آبادی، ج ۱، ص ۳۲۷) وی در آنجا مدتی یوسف سلطان حاکم کسگر گیلان را ستود و بعد از عزل وی، راه عراق پیش گرفت و چند سال آخر حکومت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ه.ق) و آغاز دوران حکومت شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸) را در اصفهان به سر برد و به مدح این دو پرداخت. سرانجام سلیم نیز به جبر شرایط اقتصادی همچون بسیاری از معاصرینش راه هند در پیش گرفت. مرحوم صفا سال ورود محمد قلی سلیم را به گجرات ۱۰۴۱ه.ق دانسته است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۲، ص ۱۱۰۶) در آنجا شاعر به جرگه ملازمان میر عبدالسلام مشهدی پیوست و با او به شهرهای مختلف سفر نمود. میر عبدالسلام از رجال معروف عهد شاهجهان است که لقب «اسلام خان» یافت و مدتی نیز به وزارت نائل شد.

میرزا محمد صادق مینای اصفهانی صاحب کتاب «صبح صادق» در سال ۱۰۴۸ه.ق سلیم طهرانی را در جهانگیر نگر (داکای کنونی) ملاقات نموده و در مورد وی نوشته است: «به سلامت نفس و لطف طبع موصوف بود و از رسوم و عادات شعرا مبراً میزیست.» (کاروان هند، گلچین معانی، ج ۱، ص ۵۶۹)

سلیم پس از چهارده سال هم رکابی با اسلام خان در داخل هندوستان از وی تقاضای رخصت نمود تا به سفر کعبه برود:

ز آستان تو خواهم به سوی کعبه روم که در حقیقت جایی نرفته باشم دور

(دیوان، سلیم طهرانی، ص ۳۷۶)

اما پیری و خستگی مانع شاعر از رفتن به حج شد بنابراین در کشمیر گوشه، اختیار نمود و دو سال بعد در همانجا درگذشت. تذکره نویسان تاریخ وفات وی را ۱۰۵۷ه.ق نوشته اند. قیر سلیم طهرانی در مزارالشعرا کشمیر قرار دارد. بعدها قدسی مشهدی، کلیم کاشانی و طغرای مشهدی هم نزدیک او به خاک سپرده شده اند. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۲، ص ۱۱۶۱)

دیوان اشعار سلیم طهرانی مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و مثنویهای شاعر است که در مجموع حدود ۹۷۰۰ بیت را شامل میگردد و از این تعداد بیش از ۶۰۰۰ بیت آن به غزلیات شاعر اختصاص دارد. «قضا و قدر» و «وصف کشمیر» از مهمترین مثنویهای شاعر محسوب

میشوند. « مثنویهای سلیم از حیث موضوعات مفید و معانی و مضامین دقیق و شیرین کلام بر مثنویهای شاعران دیگر رجحان دارد.» (مقدمه دیوان، رضا، ص سی و هفت) مثنوی قضا و قدر وی مورد توجه شاعران معاصر و بعد از زمان او قرار گرفته است. رحیم رضا در این مورد مینویسد: « این بهترین مثنوی سلیم است و بین سایر مثنویهایی که در این زمینه در عهد صفوی ساخته اند مقام اول را دارد.» (مقدمه دیوان، رضا، ص سی و نه)

پیشینه تحقیق:

تا کنون دیوان سلیم تهرانی دوبار به تصحیح و چاپ رسیده است. نخستین بار در سال ۱۳۴۹ دیوان کامل شاعر با مقدمه ای در تحقیق احوال و آثار شاعر به تصحیح و اهتمام دکتر رحیم رضا، استاد زبان و ادبیات دانشگاه ناپل ایتالیا در انتشارات ابن سینا به چاپ رسید. اما محمد قهرمان این تصحیح را پر از اغلاط چاپی و نیز صورتهای مغلوطن دانست؛ بنابراین به تصحیح مجدد دیوان سلیم مبادرت ورزید. در نتیجه دیوان سلیم تهرانی با مقدمه و تصحیح محمد قهرمان در سال ۱۳۸۵ در انتشارات نگاه به چاپ رسید.

مثنوی قضا و قدر شاعر نیز یکبار به مدد پرتو ضیایی تصحیح شد و بار دیگر سید ضیاء الدین سجادی به تصحیح و شرح آن اقدام نمود.

با وجود چاپهای مذکور، تا قبل از نوشته حاضر، در مورد بررسی سبکی اشعار سلیم تهرانی تحقیقی صورت نگرفته است. در این پژوهش شماره صفحات تمام اشعار بر اساس دیوان سلیم تهرانی با مقدمه و تصحیح محمد قهرمان تنظیم شده است.

تأثیر و تأثرها در دیوان سلیم تهرانی:

سلیم تهرانی از میان قدما به حافظ و از میان معاصرین خود به نظیری نیشابوری معتقد است. وی با ملا نادم و فغفور یزدی نیز مشاعره داشته است. (تذکره شبستان، مدرسی، ص ۵۱۳) سلیم از چندین غزل حافظ پیروی نموده است و غزلهایی با همان ردیف و قافیه و وزن و گاهی همان موضوع سروده است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره میکنیم:

حافظ: ای هدهد صبا به سبا میفرستمت بنگر که از کجا به کجا میفرستمت
(دیوان، حافظ، ص ۱۲۵)

سلیم: ای گل شکفته شو که به جا میفرستمت یعنی به یار سست وفا میفرستمت
(دیوان، سلیم، ص ۷۸)

حافظ: صلاح کار کجا و من خراب کجا؟ ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا
(دیوان، حافظ، ص ۳)

سلیم: به غیر میکده زاهد بود شراب کجا؟ کجا روم دگر ای خان و مان خراب کجا
(دیوان، سلیم، ص ۴۷)

- حافظ : خیز و در کاسه زر آب طربناک انداز
 پیشتر زانکه شود کاسه سر خاک، انداز
 (دیوان، حافظ، ص ۳۵۷)
- سلیم: همچو گل پرده دل در خس و خاشاک انداز
 خویش را غنچه کن و در بغل خاک انداز
 (دیوان، سلیم، ص ۲۴۳)
- حافظ: ما را ز خیال تو چه پروای شراب است
 خم گو سر خود گیر که خمخانه خرابست
 (دیوان، حافظ، ص ۴۲)
- سلیم: ما را نه سر گل نه تمنای گلابست
 در مجلس مستان عرق فتنه شرابست
 (دیوان، سلیم، ص ۵۹)
- سلیم همچنین در مقطع سه غزل خود نام « حافظ » را آورده و مصراعهایی از شعر او را تضمین
 نموده است. به نظر میر غلام علی بلگرامی « اول کسی که تضمین چسپان در مقطع غزل طرح
 انداخت ، سلیم است. (مأثر الکلام ، بلگرامی، ص ۶۷) بیت زیر از این دست است:
 سلیم امشب به یاد تربت حافظ قدح نوش است
 « الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها »
 (دیوان، سلیم، ص ۲۳)
- ارادت سلیم به خواجه شیراز تا آنجا پیشرفته که در یکی از قطعاتش نیز به تضمین دو مصراع از
 اشعار حافظ پرداخته است:
- داده دهقان عوض آب به او شربت قند
 «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت»
 چون تو شیرینی هر حرف نکو میدانی
 «مدعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت»
 (دیوان، سلیم، ص ۴۰۴)
- وی حتی غزلی نیز با ردیف حافظ سروده که مطلع آن چنین است:
 زده گل دست بر دامان حافظ
 خورد بلبل قسم بر جان حافظ
 (دیوان، سلیم، ص ۲۵۷)
- سلیم تهرانی در اشعارش به نظیری نیشابوری نیز توجه داشته است و ضمن تضمین مصراع‌ای از
 نظیری ، وی را «سحر ساز» خوانده است:
 سلیم این در جواب «سحر سازی» که میگوید
 «کتاب حسن را جزو محبت در میان گم شد»
 (دیوان، سلیم، ص ۲۲۵)
- بیت اشاره دارد به این بیت نظیری نیشابوری:
 ز بیداد تو حرف مهر را نام و نشان گم شد
 « کتاب حسن را جزو محبت در میان گم شد »
 (دیوان، نظیری، ص ۳۸۵)
- بسیاری از معاصرین سلیم ، وی را به « اخذ معنی از دیگران » متهم نموده اند. (تذکره الشعراء ،
 نصرآبادی، ج ۱، ص ۳۲۷) ولی همانگونه که برخی نویسندگان معاصر مانند صفا، گلچین معانی و
 رحیم رضا نوشته اند و به شهادت اشعار خود شاعر بسیاری از مضامین اشعار وی در دیوان شعرای

معاصر و جوانتر او چون کلیم و صائب و غنی کشمیری به لفظ یا معنی و یا اندک تغییری آمده است. بلگرامی در کتاب « سرو آزاد » نمونه های متعددی از مضمونهای سلیم را که دیگران از او اخذ و گاه به تمام لفظ تکرار کرده اند؛ آورده است. (مآثر الکلام، بلگرامی، صص ۷۱-۶۸) سلیم نیز بارها در اشعارش به این موضوع اشاره نموده است:

دیوان خود به دست حریفان مده سلیم
غافل مشو که غارت باغ تو میکنند
(دیوان، سلیم، ص ۲۰۴)

غیر را مصلحتی هست ز دیوان سلیم
دزد، کی بهر تماشا سوی گنجینه رود؟
(دیوان، سلیم، ص ۱۴۸)

دیوان کیست از سخنانم تهی سلیم
تنها نه بر من این ستم از دست صائب است
(دیوان، سلیم، ص ۶۶)

در اینجا برای جلوگیری از اطالۀ کلام ، جهت مقایسه تنها به ذکر دو نمونه از اشعار سلیم و صائب میپردازیم:

سلیم: دلم به سینه از آسیب نفس ایمن نیست
که گرگ، یوسف ما را درون پیرهن است
(دیوان، سلیم، ص ۱۲۹)

صائب: ناسازگاری هست در خوی گلعداران
کو یوسفی که گرگی در پیرهن ندارد
(دیوان، صائب، ص ۸۸۲)

سلیم: ز آشفتگی طره مقصود خبر داد
هر فال که از شأنۀ شمشاد گرفتیم
(دیوان، سلیم، ص ۲۸۵)

صائب: خواهد فتاد دامن زلفش به دست من
این فال را ز شأنۀ شمشاد دیده ایم
(دیوان، صائب، ص ۱۱۲۲)

سلیم همچنین از اشعار عرفی، نظیری نیشابوری، فغفور لاهیجی و طالب آملی استقبال نموده است.

محتوای فکری شعر سلیم تهرانی

الف- مدح و منقبت

عمده توجه سلیم تهرانی در مدیحه سرایی در بخش قصاید وی متبلور شده است. از مجموع ۲۳ قصیده شاعر ۹ قصیده در مدح ائمه علیهم السلام - امام علی(ع) ۵ قصیده، امام رضا(ع) ۳ قصیده و امام زمان (ع) ۱ قصیده- سروده شده است و بقیه نیز در مدح شاه عباس صفوی (۱ قصیده)، شاه صفی(۱ قصیده) ، یوسف خان(۲ قصیده) و اسلام خان(۱۰ قصیده) سروده شده که در این میان اسلام خان بیشترین تعداد مدیحه را (۱۰ قصیده) به خود اختصاص داده است. سلیم در قطععاتش نیز به مدح اسلام خان ، تهنیت وزارت او، تعریف و توصیف خانۀ او پرداخته است. در غزلیات شاعر نیز غزلهای سه، چهار و پنج به ترتیب در مدح نبی اکرم(ص)، امام علی(ع) و امام زمان(ع) سروده

شده؛ اما قدرت سخن سلیم در قصایدی که در مدح ائمه و اسلام خان سروده است بیشتر نمایان است. قصاید وی اغلب دارای تغزل یا تشبیب یا بهاریه در مقدمه و تخلص و شریطه در پایان میباشند. در بیت تخلص، شاعر قدرت بیان خود را به کار برده است تا گریزی زیبا به مدح ممدوح بزند. در پایان تمام قصایدی که در مدح امام علی(ع) سروده شده؛ شاعر ضمن ابیات دعاییه، زیارت نجف را آرزو میکند. وی اغلب بخش دعا و شریطه را با منطقی شاعرانه همراه میسازد. از جمله در پایان مدیحه ای که برای امام علی(ع) سروده، آورده است:

به خاک هند فرو رفته پای من در قیر بگير دست مرا یا علی ولی الله
 سلیم را به نجف جذبه ای عنایت کن که شد به هند، دلش چون سواد هند سیاه
 همیشه تا بود آسمان به سیر و سفر مرا جناب حریم تو باد منزلگاه
 (دیوان، سلیم، ص ۳۴۶)

قابل توجه است که سلیم هیچگاه در مدیحه سرایی افراط نکرده و برای مطالبه، متوسل به تملق های شاعرانه نشده است. با آنکه در بسیاری از اشعارش به فقر مالی خویش اشاره دارد و حتی در چند قطعه به «تقاضا» پرداخته؛ اما هیچگاه شاعری را دستاویز دنیا ننموده است. وی در یکی از قطعاتش به این موضوع اشاره دارد:

ز آزاده طبعی نکرده ست هرگز قلم را کلامم عصای گدایی
 ز حرف طلب بسته ام لب در این بحر رسد چون صدف، روزی من هوایی
 (دیوان، سلیم، ص ۴۰۲)

ب- سخنوری و تفاخر

توجه به سخنوری و خودستایی و فخر به شعر و هنر خود یکی از مضامینی است که در دوره های مختلف ادب فارسی بخصوص دوره صفوی مورد اقبال بسیاری از شعرا بوده است. رضا عبداللهی، سلیم تهرانی را جزء شعرای خودستای بر شمرده است. (خودستایی در بیان شعرا، عبداللهی، صص ۱۴۱-۱۳۶) سلیم به هنر سخنوری توجه خاصی داشته است:

بهترین گوهر گنجینه هستی سخن است گر سخن جان نبود، مرده چرا خاموش است؟
 (دیوان، سلیم، ص ۱۳۴)

وی سخنوری را لازمه شاعری میداند همانگونه که شمشیر لازمه سپاهیگری است:

سلیم اهل سخن را بی زبانی عیب میبشد که واجب تر ز هر چیز است شمشیری، سپاهی را
 (دیوان، سلیم، ص ۳۳)

او بارها به هنر سخنوری خویش تفاخر میکند و از بزرگی و عالمگیری سخنش در ایران و هند یاد میکند. مانند ابیات زیر:

سخن کردن نمی آید ز هر کس
تو میدانی سلیم این شیوه را خوب
(دیوان، سلیم، ص ۵۱)

مرا ز راز دو عالم سخن بلند تر است
حدیث اهل محبت ز عالم دگر است
(دیوان، سلیم، ص ۶۸)

به زیر آسمان هر مصرعم آوازه ای دارد
سلیم آری صدا در کهسار میپیچد
(دیوان، سلیم، ص ۱۴۸)

رفته ایم از یاد یاران گر چه دارد در وطن
کاغذ بادی به کف هر طفل از مکتوب ما
(دیوان، سلیم، ص ۳۵)

وی حتی کلام خویش را با اعجاز عیسی برابر میداند:
سهل باشد مرده را گر زنده میسازد سلیم
همچو عیسی از لب او دیده ام اعجازها
(دیوان، سلیم، ص ۲۲)

ج- هجو

سلیم در برخی از غزلیات و رباعیات و بخصوص در بخش قطعات دیوانش به هجویه پرداخته است. او به طور مستقیم به هجو اشخاصی چون ملا وفای هروی (از شعرای قرن یازدهم) ، خواجه حسن، کاتب خویش و حساد اشعارش پرداخته و بیش از همه هجو حاسدانی چون ملا وفا را مد نظر داشته است. در قطعه ای ملاوفا را متهم به دزدی اشعارش میسازد و در قطعه ای بلند نیز حاسدانش را مذمت میکند. او در ابیات پایانی این قطعه بلند آورده است:

متاع سخن آنچه دزدند از من
به من میفروشند از بی حیایی
جوانمرگی این مفسدان ضرور است
کند مار چون کهنه شد ازدهایی
ازین قوم دانی چه باید طلب داشت؟
جدایی جدایی جدایی جدایی
(دیوان، سلیم، ص ۴۰۲)

البته اغلب هجویات سلیم ملایم و به دور از بی ادبی است. او خود نیز اعتقاد دارد که زبانش گزنده نیست:

هرگز کسی سلیم ندیده است آفتی
چون تیغ آفتاب ز تیغ زبان ما
(دیوان، سلیم، ص ۳۷)

د- شکایت از شرایط زندگی

آنگونه که از احوالات سلیم برمی آید ، بی توجهی بزرگان ایران به وی و نابسامانی مالی ، او را برآن داشته است تا چون بسیاری از معاصرینش راهی هند شود . در ابیات زیر به ناچاری خویش برای مهاجرت به هند اشاره کرده است:

نیست در ایران زمین، سامان تحصیل کمال
تا نیامد سوی هندوستان حنا رنگین نشد
(دیوان، سلیم، ص ۱۸۳)

طوطیم وز بینوایی همچو طوق فاخته
رفتن هندوستان بر گردنم افتاده است
(دیوان، سلیم، ص ۸۴)

اما در آن روزگار « مثال ایران بعد از شاه عباس، هندوستان بعد از اکبر شاه و جهانگیر به سرعت به طرف زوال پیش میرفت و دور از درخشندگی دربارهای پادشاهان گورکانی هند که ثروت و دارایی را صرف ساختمان پر خرج و جنگهای پایان ناپذیر میکردند، ریشه فقر و بیچارگی روز به روز قویتر و اثر آن در زندگی مردم روزگار آشکارتر میشد.» (مقدمه دیوان، رضا، ص هیجده و نوزده) به همین دلیل شرایط زندگی سلیم در هندوستان و در پناه اسلام خان نیز چندان بهتر نشد: نشد درست به هندوستان شکسته ما نماز بود درو، کار دست بسته ما
(دیوان، سلیم، ص ۴۰)

به غیر از باد همچون سرو چیزی نیست در دستم
همیشه کیسه آزادگان چون جای زر خالی است
(دیوان، سلیم، ص ۵۸)

بخصوص آنکه سلیم در زمانی پا به هندوستان گذاشت که این سرزمین درگیر قحطی در دکن بود. وی در مثنوی « در قحط سال » به این موضوع اشاره دارد:

چو ما از طالع خود نامیدیم
چنین وقتی به هندوستان رسیدیم
(دیوان، سلیم، ص ۴۳۵)

دوری از ایران و فقر و تنهایی در هندوستان یکی از موضوعاتی است که بارها زبان شاعر را به شکوه گشوده است:

سلیم، هند جگرخوار خورد خون مرا
چه روز بود که راهم به این خراب افتاد
(دیوان، سلیم، ص ۱۹۱)

به خواب هند مرا تاب زیستن ز کجاست
که چون حباب مرا زندگی به آب و هواست
(دیوان، سلیم، ص ۹۳)

وی حتی غزلی با ردیف هند سروده است با این مطلع:

برگ عیشی قسمت ما نیست در بستان هند
همزمان ما نشد جز طوطی از سبزان هند
(دیوان، سلیم، ص ۱۷۹)

آنگونه که از کتب تذکره بر می آید سلیم با شعرای معاصر خویش نیز روابط بسامانی نداشته است. نصرآبادی، ملارسته، شیدای فتحپوری و طغرای مشهدی از جمله کسانی هستند که به ناروا سلیم را به اخذ معنی از دیگران متهم نموده اند. صاحب عمل صالح در این باره نوشته است: « بالجمله اکثر از ارباب این فن با وی بی اعتقادند و زبان به بیغاره او گشایند و بجز جمعی که آینه

دار انصاف‌اند و صورت و معنی را به وجه احسن شناخته . هیچ یکی از نیکو خیالان را به او این اعتقاد نیست. «(عمل صالح ، ج ۳، صص ۴۲۱-۴۲۲)

وی بارها از این دشمنیها شکایت میکند. سلیم غزلی دارد با ردیف «رنجیده ام» در چهارده بیت که به خوبی بیانگر نارضایتی شاعر است. به ابیات آغازین این غزل دقت کنید:

از زمین آزرده ام ، وز آسمان آزرده ام دوستان! رنجیده ام ، زین دشمنان رنجیده‌ام
همچو بادامم اگر بر چشم صد سوزن زنند چشم نگشایم ز هم بس کز جهان رنجیده‌ام
شد درای محفلم ناقص بر عزم فرنگ کز عراق آزرده و ز هندوستان رنجیده‌ام
(دیوان، سلیم، ص ۲۸۵)

این رنجشها مهر وطن را در دل شاعر تقویت میکند و سلیم در بسیاری از اشعار خود از آرزوی برگشت به وطن و عشق به ایران سخن میگوید از جمله :

در درون سینه ام میرقصد از حرف وطن هیچ سازی ماهیان را چو صدای آب نیست
(دیوان، سلیم، ص ۱۲۸)
غبار من ز غریبی سلیم رفت به باد هنوز در دل من حسرت وطن باقی است
(دیوان، سلیم، ص ۱۱۳)

ویژگیهای ادبی و هنری شعر سلیم تهرانی

یکی از ویژگی بارز غزلیات سلیم تهرانی وجود ردیف است. در میان ۹۵۴ غزل شاعر، ردیف دارای بسامد بسیار بالایی است بطوری که بندرت با غزل مقفی روبرو میشویم. ردیف در این غزلیات دارای تنوع فراوانی است و شامل ردیف های یک کلمه تا چند کلمه ای، ردیفهای فعلی و اسمی میگردد. بسیاری از این ردیفها نادر هستند و کمتر توسط دیگر شاعران استفاده شده‌اند. مانند: اضطراب، بحث، خبث، محتاج، سفید، چو زلف، درد، کاغذ، مرغ، همراه، نگاه، چمن، دیگران، دروغ، بغل، خشک، سنگ، شریک، حیف، رقاص، غلط، چند، شرمسار، مربوط، هند، نشاط، بشکند، قرض، قرض کن، نمیمیری، خورشیدم، خون آلود، چه فایده، چه میداند، کم نشد، میبافند، تازه ای، از زمین، من بودم، من نرسد، خود است، سبز است، خنک است، گرم است، تنگ است، گل است، صبح است، خالی است، در صحرا، استغنا، است اینجا، معلوم است، مبارک است، نزدیک است، نازک است، زخم است، لیلی است، غنیمت است، بهتر است، بسیار است و ...

وجود ردیفهای بی نظیر ، نادر و طولانی از دیگر ویژگیهای شعر سلیم است. ردیفهایی از این قبیل: تو کشته آتش را، پر شده است، می باید گرفت، بر عکس است، گله شده است، همه خون است، ما برخاسته است، بی نمک است، و دگر هیچ، به از من، مرا نام نهادند، را چه میکنی، نمی دارد نگاه، داند چه خواهد شد، گر نباشد گو مباش، چه چیز میخواهم، سفید و سیاه و سرخ، از خود روم و مطالع زیر را ببینیم:

جهان ز بی خبران چون مکان گله شده ست	غنیمت است که غم، پاسبان گله شده ست
(دیوان، سلیم، ص ۷۷)	
ز من شکایت آن جور پیشه برعکس است	فغان سنگ ز بیداد شیشه بر عکس است
(دیوان، سلیم، ص ۷۵)	
شد باغ از بهار ، سفید و سیاه و سرخ	مرغان شاخسار سفید و سیاه و سرخ
(دیوان، سلیم، ص ۱۳۸)	

سلیم طهرانی همچون بسیاری از شعرای سبک هندی، تکرار قافیه را نه تنها عیب نمیداند بلکه آن را نوعی هنرنمایی نیز می‌پندارد. زیرا « حقیقت شاعر سبک هندی تک بیت گوست یعنی قالب حقیقی مفردات است، منتها شاعر این ابیات مستقل را بوسیله رشته قافیه و ردیف به هم گره زده است. » (سبک شناسی ۲، شمیسا، ص ۱۹۷) در غزلیات و قصاید سلیم تکرار قافیه بارها به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه ، در قصیده ۶۵ بیتی که در وصف قصر اسلام خان سروده شده است؛ قافیه « آفتاب » ۱۳ بار، « آب » ۷ بار، « کباب » ۳ بار و « رکاب » ۵ بار تکرار شده است. در این قصیده، سلیم با وقوف تمام خطاب به حاسدان خویش آنها را « خفاش طبع » خوانده و به « تکرار قافیه » تفاخر نموده است:

ذره ام از خاک میباید مرا برداشتن	نیست مفت این سر بلندی آفتابی آفتاب!
قافیه تکرار شد « خفاش طبعان » بشنوید	آفتاب و آفتاب و آفتاب و آفتاب
(دیوان، سلیم، ص ۳۷۳)	

نکته قابل توجه دیگر، اعتقاد سلیم به تعداد ابیات غزل است . وی بیش از پنج بیت را همچون انگشت زاید عیب میداند و اغلب غزلهای خود او نیز پنج بیتی هستند:

از پنج فزون گشت چو ابیات غزل	بر پنجه او بود چو انگشت زیاد
(دیوان، سلیم، ص ۴۹۰)	

- کوشش برای بیان تعابیر تازه و ابتکار در مضامین

سلیم نیز همانند دیگر شعرای سبک هندی همواره در پی مضمون تازه است . در واقع گویا هیچ مضمونی نیست مگر آنکه وی به آن پرداخته باشد. او دیگر شعرا را هم به مضامین تازه فرا میخواند: از زلف تا به چند کسی گفتگو کند / وصف خطش کنیم که مضمون تازه ایست^۱ / چو مصرعی ز من شنوی ، عزتش بدار / از راه دور آمده، موزون تازه ایست (دیوان، سلیم، ص ۷۳)

۱. بیت، یادآور بیت مشهور صائب است:

یک عمر میتوان سخن از زلف یار گفت / در بند آن نباش که مضمون نمانده است (دیوان، صائب، ص ۸۷۴)

همچنین رسیدن به معانی رنگین را نشانه برتری اندیشه شاعر میدانند:

معنی رنگین به هر اندیشه نیست نقش شیرین جوهر هر تیشه نیست

(دیوان، سلیم، ص ۱۲۳)

سلیم در ساختن مضامین بدیع و خلق معانی شگفت، استاد است. وی برای رسیدن به این مقصود از فرهنگ عامه، رسوم و تجارب روزمره اشخاص و اشیاء و محیط بهره جسته و اغلب آنها را در ساخت تمثیل، اسلوب معادله، تشبیهات مرکب، کنایات و ... بکار گرفته است. ابیات زیر نمونه هایی از مضامین تازه و متنوع شعر سلیم میباشد:

چون کهنسالان برون آرد مگر دندان نو تا کلید بخت بگشاید در زندان ما

(دیوان، سلیم، ص ۳۷)

به دور او فلک خود فروش چند زند؟ ز مهر و ماه عبث بر زمین ترازو را

(دیوان، سلیم، ص ۲۰)

ز آشفتگی طره مقصود خبر داد هر فال که از شانه شمشاد گرفتیم

(دیوان، سلیم، ص ۲۸۵)

نهیم تهمت خندیدنش درین مجلس فواق شیشه می را چنین علاج کنیم

(دیوان، سلیم، ص ۲۷۹)

اگر حمایت لطفش بود، زیان نرسد چو داغ لاله در آتش وجود هندو را

(دیوان، سلیم، ص ۲۰)

- ایجاز و اختصار

در شعر سلیم، به کار بردن تمثیل، انواع تشبیه، استعاره و کنایات فراوان، اغلب باعث پیچیدگی معنی سخن شده است ولی از نظر لفظ سخن وی تمایل به روانی و سلاست دارد. او خود به پیچیدگی معانی سخنش اذعان دارد:

سخن ماست سر به سر مرغوب گر چه پیچیده است چون مکتوب

(دیوان، سلیم، ص ۴۹)

سلیم معانی کوتاه را نمی پسندد:

مرا معانی کوتاه دلپسند نباشد چو کر نمی شنوم تا سخن بلند نباشد

(دیوان، سلیم، ص ۲۱۴)

وی سعی میکند در جملات کوتاه، معانی بلند را جای دهد. به عبارت بهتر « ایجاز » بکار میبرد. او مطالب بسیار دقیق و وسیع را با الفاظ خیلی کم بیان میکند و اغلب در آوردن سخن موجز موفق است البته این ایجاز اغلب باعث میشود غزلیات وی دارای پیچیدگی و ابهام بیشتری

باشد. از دید سلیم تهرانی توجه زیاد به لفظ باعث از میان رفتن معنی میشود بنابراین از آن حذر میکند:

در سواد نامه ات هر لفظ معنی میخورد چاره ای کن آخر این موران معنی خوار را
(سلیم، دیوان، ص ۴۳)

شاعر گاه در بین اشعارش به ذکر گفت و شنود ها یا حکایاتی کوتاه میپردازد که نمونهٔ اعلائی
ایجاز میباشند. از جمله در یکی از غزلهایش « در حقیقت دنیا » آورده:

یکی حقیقت دنیا ز عارفی پرسید جواب داد که تعبیر خواب بسیار است
(سلیم، دیوان، ص ۱۰۱)

و یا در مثنوی قحط سالی گفتگو با قلندری را در سه بیت به زیبایی جای داده است:

یکی گفتا قلندر مشربی را که بی قوتی مرا افکنده از پا
ز ضعفم در تن خشکیده نم نیست قلندر در جوابش گفت غم نیست
جهان شد خلق افیونی ز تنگی تو هم باریک شو چون فکر بنگی
(سلیم، دیوان، ص ۴۳۶)

- تمثیل، اسلوب معادله، ارسال مثل

یکی از بارزترین ویژگیهای سبک هندی تمثیل در بیت است. به این ترتیب که میان دو مصراع
رابطهٔ تشبیهی برقرار است. مصراع اول مطلب معقولی را بیان میکند و مصراع دوم در واقع مشبه
بهی محسوس است. تمثیل بر دو نوع است. در نوع اول میان دو مصراع ارتباط نحوی وجود ندارد و
میتوان جای دو مصراع را جابجا نمود. به این نوع تمثیل « اسلوب معادله » گویند. در نوع دوم
میان دو مصراع رابطهٔ نحوی وجود دارد و شاعر از تمثیل برای توجیه یا تعلیل استفاده میکند.
سبک شناسی شعر پارسی، غلامرضایی، ص ۴۲۰

در دیوان سلیم بخصوص در بخشش غزلیات وی، هزاران تمثیل به چشم میخورد. شاعر در
مصراع اول یک گزارهٔ اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... را آورده و در مصراع دوم یک تمثیل عینی از
طبیعت را پیدا نموده و نوعی مضمون آفرینی ایجاد کرده است. ابیات زیر از این دست هستند:

راحت مردان، هم از پنجهٔ مردانگی است شیر را در وقت خفتن دست و بازو متکاست
(دیوان، سلیم، ص ۶۱)

به راه عشق قدم چون نهی مجرد شو برهنگی بود اسباب ره شناور را
(دیوان، سلیم، ص ۲۳)

عجب مدار به زیر فلک ز کثرت خلق هجوم کرده مگس، بس که خانه شیرین است
(دیوان، سلیم، ص ۶۳)

گر پدر را هست سامانی پسر در راحت است
ریشهٔ گلبن چو سیراب است شاخش خرم است
(دیوان، سلیم، ص ۱۰۰)

سلیم از ضرب المثل‌های مشهور نیز بسیار بهره برده است. مثل‌هایی چون: از دل برود هر آنکه از دیده برفت، ناخوانده به خانهٔ خدا نتوان رفت، باور نمیکنم گوید اگر ماست سفید است، آب دایم به جوی نمیباشد، این خانه موش دارد، سعی بیهده پاپوش میدرد، سلام بی طمع نیست، جواب حرف خموشی است ناسزایان را، خود کرده را تدبیر نیست و ... به نمونه های زیر بنگرید:

به اقتضای قضا کار خویش را بگذار
که « سعی بیهده پاپوش میدرد » مثل است
(دیوان، سلیم، ص ۹۹)

گرم به وصل رساند سلیم، نیست عجب
که هر چه گویی از ین روزگار میآید
(دیوان، سلیم، ص ۲۱۶)

ندارم اختیار گریه امشب
به در میگویم ای دیوار بشنو
(دیوان، سلیم، ص ۳۰۹)

- کنایه قریب و بعید

در شعر سلیم، کنایه نیز جایگاه خاصی دارد. کنایات وی را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. اغلب کنایات وی برگرفته از فرهنگ و زبان عامهٔ مردم و متداول در زبان فارسی هستند بنابراین دریافت منظور و برداشت شاعر از آنها دشوار نیست مانند: زبان مار داشتن، آش برای کسی پختن، از نمد ... کلاهی داشتن، به جان کسی افتادن، خون در گردن کسی بودن، زبان دراز بودن، پیمانۀ کسی پر شدن، شمردن دندان مار، پشم در کلاه داشتن، آب در چیزی کردن، آب بر دست کسی ریختن، آب زیر کاه و...

بخش دیگر کنایاتی است که چندان آشنا به نظر نمی آیند. نظمی تبریزی علت دشواری بیشتر اشعار سلیم تهرانی را به کارگیری همین کنایات بعید، دانسته و به شرح برخی از آنها پرداخته است. (گلشن معانی، نظمی، صص ۴۳، ۵۳، ۶۰، ۹۶، ۲۷ و ۱۲۸) خانه بر خروس بار کردن، هفت و هشت، گل فرستادن برای کسی، در آستین نان خوردن، نان به شیشه مالیدن، بند بر بند قبا بافتن، به سر پا نشستن، گل گل، چشم زاغ، به هند رفتن حنا، طناب زدن، نمک گرفتن چشم را، کار دست بسته، نمک تازه کردن و ... از جمله کنایات دیر فهم، ناب و نادر در دیوان سلیم هستند. در فرهنگها، در توضیح بعضی از این کنایه ها تنها به ابیات سلیم استشهد شده است. نمونه هایی از کنایه های وی:

صدف نبود که از گرداب در چشم تو می آید
که دریا از بخیلی میخورد در آستین نان را
(دیوان، سلیم، ص ۲۵)

آسان بود شکست صدف بیدلان عشق
یک ناوک از نگاه تو و هفت و هشت ما
(دیوان، سلیم، ص ۴۱)

- هنجار شکنی در تلمیح

تلمیح به داستانهای لیلی و مجنون ، یوسف و زلیخا و یعقوب، حلاج، خضر و آب حیات و اسکندر ، هما و استخوان از بارزترین تلمیحات اشعار سلیم طهرانی است. در نگاه به اسطوره ها، سلیم دارای دیدی دوگانه است . گاه چون شعرای متقدم شخصیت های اسطوره ای و داستانی را ستایش میکند و گاه بر خلاف عادت معهود به انتقاد از مقام و شخصیت آنها میپردازد و به هنجار شکنی و مخالف خوانی میپردازد. در واقع نوعی « مخالف خوانی » که بعدها در شعر بیدل و صائب به اوج رسید در شعر سلیم به فراوانی دیده میشود.^۱ نمونه هایی از هنجار شکنیهای سلیم در تلمیح :

ببین چه بر سر یعقوب آمد از یوسف	وفا مجوی ز معشوق اگر چه فرزند است
(دیوان، سلیم، ص ۶۸)	
شد انال‌الحق سرا سلیم آری	مست را مشکل است پاس ادب
(دیوان، سلیم، ص ۵۲)	
چشم خویشان را حسد از بس به دولت شور کرد	شد چو یوسف پادشاه ، اول پدر را کور کرد
(دیوان، سلیم، ص ۱۴۹)	
خضر را ما شناسیم ، بیا ای ساقی	در این میان، انتقاد سلیم به داستان خضر و اسکندر و آب حیات دارای بسامد بسیار بالایی است:
خبر از خضر نداری و زندگانی او	که لب تشنه ما دست تو را میبوسد
(دیوان، سلیم، ص ۱۵۰)	
دریابد اگر چاشنی تلخی عمرم	بمیر تشنه ، مکن از زمانه آب طلب
(دیوان، سلیم، ص ۵۲)	
چند روز زندگی بر ما گرانی میکند	از آب بقا خضر کشد دست و دهن را
(دیوان، سلیم، ص ۴۹)	
لذتی دید سکندر مگر از عمر سلیم	خضر داریم در جهان چون زندگانی میکند
(دیوان، سلیم، ص ۲۲۶)	
	کاین همه در طلب آب بقا میگردد
	(دیوان، سلیم، ص ۲۲۶)

از دیگر ویژگیهای شعر سلیم طهرانی وجود تلمیح به عناصر، مکانها و شخصیتهای داستانی و اسطوره ای است که گمنام هستند یا چندان مشهور نیستند مانند کلاه سلیمانی(مربوط به قصه امیر حمزه مسطور)، رستم یک دست(قهرمان داستانی عامیانه)، حمزه و زمره شاه(از قهرمانان

۱. در فرهنگ عامه و ادب فارسی « برخی امور مقدس است و مطلوب و برخی امور ناپسند و منفور ... اما اینکه شاعری با این باورها از در خلاف درآید و نغمه مخالف را چنان خوش بخواند که به گوش جانها بنشیند؛ را مخالف خوانی گویند. (صائب تبریزی و شاعران معروف سبک هندی، سجادی، صص ۱۰-۱۱)

داستان رموز حمزه، هند جگر خوار، سرای سنبل خان (شخصیتی که در حماقت مثل بوده است) و کتاب شاه و گدا و....

- کشف جهان تصاویر

تشخیص یا جاندارانگاری طبیعت و اشیاء بی جان یکی از شاخصه‌های مهم در سبک هندی است و شاعران این سبک اغلب، جهان را پویا و زنده انگاشته‌اند و بیش از دیگر شعرا با طبیعت، جهان و اشیا رابطه ایجاد کرده و گفتمانی دو طرفه، نه صرفاً یک‌سویه، برقرار کرده‌اند. در شعر سلیم نه تنها طبیعت، روزگار و هر آنچه در آن میان قرار دارد میتواند دارای روح باشد؛ بلکه تصاویری که از عناصر طبیعت بر کاغذ، پوست و پارچه ترسیم شده است هم دارای جان است. سلیم به زیبایی رابطه جهان تصاویر را کشف نموده و گل کاغذی، بلبل تصویر شده، شیر و مرغی که بر دیبا تصویر شده اند را به عرصه شعر کشانده است :

ای مرغ چمن از اثر باد خزان است کآواز تو چون بلبل تصویر گرفته است
(دیوان، سلیم، ص ۱۳۲)

سلیم از عشق نوعی محرم راز خموشانم که در گوشم صدای بلبل تصویر می آید
(دیوان، سلیم، ص ۱۴۲)

خود بخود گردد مهیا حسن را اسباب ناز مرغ دیبا بالش او را پر از پر میکند
(دیوان، سلیم، ص ۱۶۰)

مرد میباید که پا محکم کند اینجا سلیم شیر دیبا را نهیب عشق آهو میکند
(دیوان، سلیم، ص ۱۹۱)

از دیگر آرایه های ادبی در دیوان سلیم میتوان موارد زیر را نام برد:

- حسن تعلیل: در دلش از من غباری هست پنداری که باز آب چشمم از برای عذرخواهی می‌رود
(دیوان، سلیم، ص ۱۶۶)

- تصویر سازی: زاهد چو حرف توبه به من میزند سلیم هر دم سبوی باد به من دوش میزند
(دیوان، سلیم، ص ۱۹۰)

-تکرار واژه: گلرخان را سخنم کرد به من رام سلیم که غزال غزلم آهوی آهوگیر است
(دیوان، سلیم، ص ۵۶)

-مراعات نظیر: چهار موج بود یک رباعی مشهور که بحر یاد گرفته ست از سفینه ما
(دیوان، سلیم، ص ۳۹)

-جناس تام: از مشک چین مگو که در آن زلف چین پرست برچین بساط سرمه که چشمش ازین پرست
(دیوان، سلیم، ص ۸۵)

آشفته بیان همچو سلیمم اگر احباب	دارند سخن بر سخن من سخنم نیست (دیوان، سلیم، ص ۱۱۳)
-ایهام تناسب: مردم و آسوده از درد سر عالم شدم	تخته تابوت پنداری ز چوب <u>صندل</u> است (دیوان، سلیم، ص ۵۴)
ای که دست قدرتت هم پنجه صنع خداست	<u>مشت خاک</u> قابلم، گر میکنی <u>آدم</u> مرا (دیوان، سلیم، ص ۴۳)
- استخدام: خراب لعل لب کی شراب میگیرد	که چشم را نمک او چو خواب <u>میگیرد</u> (دیوان، سلیم، ص ۱۶۲)
- تشبیه جدید: ای وای اگر به شکوه زبان آشنا کنم	مهر خموشی لب ما، <u>مهر کربلاست</u> تشبیه مهر خاموشی به مهر کربلا تشبیه جدیدی است. (دیوان، سلیم، ص ۸۴)
ستارگان، کفن خلق را سلیم ببین	چو عنکبوت چه با اضطراب میبافند تشبیه ستارگان به عنکبوت تشبیه جدیدی است. (دیوان، سلیم، ص ۱۷۸)

زبان در شعر سلیم طهرانی

زبان شعر سلیم بخصوص در غزلیاتش، گاهی با مطالب گوناگون یا دور از ذهن پیچیده شده است و گاهی در نهایت صافی و سادگی است به طوری که «سهل الممتنع» به نظر میرسد. تقریباً عیوب مربوط به فصاحت کلمه و کلام در شعر سلیم دیده نمیشود و او اغلب به جز موارد معدودی مانند ابیات زیر، قواعد دستور زبان را رعایت نموده است:

بر غیر، غم عشق تو <u>آسان</u> ز وصال است	این بادیه را در شب مهتاب گذشته ست
«آسانتر» صحیح است (دیوان، سلیم، ص ۷۶)	
پس از مقصد رسیدن مدعا معلوم میگردد	سخن را رهروان در راه و من در خانه میگویم
«به مقصد رسیدن» صحیح است (دیوان، سلیم، ص ۷۶)	

- زبان طنز آلود سلیم طهرانی

«طنز بیان معایب اجتماعی به زبان طیب آمیز است در جهت اصلاح جامعه.» (تفنن ادبی در شعر فارسی، دانش پژوه، ۴۰۸) در شعر سلیم گاه نکات دقیق اجتماعی و اخلاقی به زبانی بیان شده است که اگر از دیدگاه طنز به آن نگریسته شود جذابیت و شیرینی خاصی پیدا میکند:

عیب پوشی چشم نتوان داشت از اهل جهان	بیشتر دستار اینجا از سر گل میبرند (دیوان، سلیم، ص ۱۶۳)
خواهی اگر گزند نبینی ز روزگار	درویش! هر چه هست تو را نذر شاه کن (دیوان، سلیم، ص ۳۰۷)

رحمت کرم به قدر گنه میکند سلیم
تا ممکن است باده بنوش و گناه کن
(دیوان، سلیم، ص ۳۰۸)

سلیم به زبان طنز « هنر » و « وفاداری » را عیب می‌شمرد:
چه توان کرد هنر قسمت ما شد ز جهان
بر طرف کی شود آن عیب که مادر زاد است
(دیوان، سلیم، ص ۹۶)

با یار سلیم این همه اظهار وفا چیست
عیب گهر آن به که خریدار ندارد
(دیوان، سلیم، ص ۱۵۰)

از جمله شخصیت‌هایی که سلیم نگاهی طنز به آن نموده است؛ صوفی و زاهد است. اگر چه این نگاه در ادب فارسی تازگی ندارد و یقیناً در شعر سلیم، متأثر از اشعار حافظ شیرازی است؛ اما نوع بیان کنایه آمیز سلیم همراه با توجه به مضامین جدید، آن را متفاوت ساخته است. سلیم دیدگاه‌های زاهد را در مورد محرمات به شوخی می‌گیرد:

چند گویی که حرام است شراب ای زاهد
بر تو این راز ندانم ز کجا معلوم است
موج می خط نجات است قدح نوشان را
نیست زاهد به تو معلوم به ما معلوم است
(دیوان، سلیم، ص ۱۳۴)

کند چون دختر رز جلوه زاهد
تماشا کن که یک دیدن حلال است
(دیوان، سلیم، ص ۱۲۷)

ابیات زیر زبان طنز شاعر را بهتر نشان می‌دهد:
از وجد نرفت کس به معراج
صوفی! اینها خیال بنگ است
(دیوان، سلیم، ص ۱۳۲)

باده ناب چه خاصیت خاصی دارد
که حلال تو شد ای شیخ و حرام همه کس
(دیوان، سلیم، ص ۲۴۶)

به هر جا زنده ای هم میشود فاش
بود مرده کشی کارش چو نقاش
چنان از رونق کارش غرور است
که گویی گورکن بهرام گور است
چنان غسال را چین بر جبین است
که پنداری مگر خاقان چین است
ز ناز تخته کش خود کس چه گوید
الهی مرده شو او را بشوید...
(دیوان، سلیم، مثنوی قحط سال، ص ۴۳۵)

- نوآوری سلیم در لفظ تراشی یا استفاده از لغات نادر

سلیم همچون بسیاری از شعرای سبک هندی، از زبان رسمی تجاوز کرده؛ لغات، اصطلاحات و تعبیرات روزمره، متداول، محاوره‌ای و جدید را وارد شعر نموده است. کلمات و تعبیراتی چون: کیسه دلاکی، چرک دنیا، کاسه زانو، شیشه ساعت، فواره، کاغذ بادی، آسمالی، آب ناشتا، ادبخانه،

اراجیف، بیضه فولاد، سرپل، نزاکت، کیسه بر، دربدر، فرنگ، جاروب، جدول آب، کاغذ حنایی، چند مرده حلاج، قواده، فال شانه، داه، نالوند، خمیازه خشک، خواب مخمل، آهوبان، پره بیابان، طاس چهل کلید، کاکو، تنباکو، آب آتش تلاش(می)، شعله خوش قماش(می)، بنگ، هرزه خند، بادبز، شتل، خشک بند، کفش جسته، عیب فرزند، فال شمشاد، دهن بیمار و... در شعر سلیم برخی لغات هندی چون برشکال، بیره پان، جوگی، چیره، خس خانه و... نیز استفاده شده است.

به ترکیبات، کنایات و اصطلاحات دیوان سلیم، در فرهنگهایی چون بهار عجم و لغتنامه دهخدا بسیار استشهاد شده است. در این فرهنگها گاه شواهدی از اشعار سلیم در کنار شعر دیگر شعرا ذکر شده و گاه تنها از اشعار وی شاهد آورده شده است. از جمله در ذیل ادبخانه، اراجیف، انگشت بر چشم نهادن، بانگ بر قدم زدن، تعلیمی، خشک بند، شیشه در قرابه، طاس چهل کلید، کار دست بسته و... به ابیاتی از دیوان سلیم استشهاد شده است. این موضوع بیانگر توانایی سلیم طهرانی در ایجاد الفاظ و ترکیبات جدید یا به کارگیری الفاظ کم کاربرد در زبان فارسی است.

نتیجه‌گیری:

محمد قلی سلیم طهرانی (متوفی ۱۰۵۷ ه.ق) از شعرای برجسته سبک هندی است که همزمانی حیات وی با شعرایی چون کلیم و صائب، او را در حاشیه قرار داده است. شعر سلیم از سرچشمه های سبک هندی محسوب میشود؛ بنابراین درخور بررسی و تحقیق فراوان است.

سلیم طهرانی در میان شعرای گذشته، بیش از همه از حافظ تأثیر پذیرفته و بارها به استقبال اشعار او رفته است و در میان معاصرینش با نظیری نیشابوری، ملانادم و فغفور یزدی مراد و مشاعره داشته است. به جهت مضامین مشترکی که در شعر او، کلیم، صائب و غنی کشمیری وجود دارد؛ بسیاری وی را به ناروا به اخذ معنی از دیگران متهم ساخته اند.

شعر سلیم در برگیرنده مدح و منقبت ائمه اطهار و برخی از شاهان و امرای صفوی و گورکانی است. سلیم به هجو نیز پرداخته است؛ بخصوص افرادی چون ملا وفا را هجو نموده اما کمتر پا از دایره ادب بیرون نهاده است. از نظر شرایط زندگی، سلیم تهرانی شرایط خوبی را در هند و ایران تجربه نکرده است. به همین جهت دیوان وی بسامد بالایی از شکوه از زندگی، دنیا، دوستان، هندوستان و... را در بر دارد.

از نظر ویژگیهای ادبی و هنری باید گفت اغلب غزلیات سلیم مردف هستند. وجود ردیف های ناب و طولانی از ویژگیهای شعر اوست. در شعر وی تکرار قافیه نیز بسیار است. اغلب، جستجو برای مضامین جدید و ابتکاری به کمک خیال پروری و الهام گیری از عناصر محیط، پیچیدگی مضمون و ایجاز باعث دشواری شعر وی شده است. البته گاه با اشعار روان و سلیس نیز روبرو هستیم.

سلیم در ایجاد تمثیل، اسلوب معادله، ارسال مثل و کنایه های زیبا و جدید تواناست. این عناصر نیز در دشواری شعر وی سهم به سزایی دارند. وی در تلمیح، از مبدعان مخالف خوانی و هنجار شکنی است. کشف جهان تصاویر و جان بخشی به تصاویر نقاشی از ویژگیهای جالب توجه در شعر اوست. از دیگر صنایع معنوی دیوان وی میتوان به حسن تعلیل، تصویر سازی، تکرار واژه، مراعات نظیر، جناس، ایهام تناسب، استخدام و تشبیهات جدید اشاره کرد. زبان شعری سلیم اغلب از زبان رسمی تجاوز نموده و بسیاری از اصطلاحات، تعبیرات و کنایه های روزمره و متداول نیز در شعر او دیده میشود. بسیاری از اشعار سلیم به عنوان شاهد شعری در لغتنامه ها و فرهنگها مورد استناد قرار گرفته اند.

منابع:

۱. بیان؛ شمیسا، سیروس؛ تهران: نشر میترا، چ دوم از ویرایش سوم، ۱۳۸۶.
۲. تاریخ ادبیات در ایران؛ صفا، ذبیح الله؛ ج ۵/۲؛ انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳.
۳. تذکره الشعرا؛ نصر آبادی، محمد طاهر؛ تصحیح محسن ناجی نصر آبادی؛ نشر اساطیر، ۱۳۷۸.
۴. تذکره شبستان؛ مدرسی، محمد علی؛ به کوشش امیر قلم سیاه؛ تهران: انتشارات گیتا، ۱۳۷۹.
۵. تذکره آتشکده؛ بیگدلی، آذر؛ تصحیح سیدجعفر شهیدی؛ تهران: انتشارات علمی، ۱۳۳۷.
۶. تفنن ادبی در شعر فارسی؛ دانش پژوه، منوچهر؛ تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۱.
۷. خود ستایی در شعر فارسی؛ عبدالهی، رضا؛ انتشارات آفرینش؛ ۱۳۸۸.
۸. دیوان کامل؛ سلیم تهرانی، محمد قلی؛ با مقدمه ای در تحقیق احوال و آثار شاعر؛ به تصحیح و اهتمام رحیم رضا؛ تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۹.
۹. دیوان؛ حافظ شیرازی، محمد؛ به کوشش خلیل خطیب رهبر؛ انتشارات صفی علیشه؛ چ هیجدهم، ۱۳۷۵.
۱۰. دیوان؛ سلیم تهرانی، محمد قلی؛ تصحیح محمد قهرمان؛ تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.
۱۱. دیوان؛ صائب تبریزی؛ به اهتمام جهانگیر منصور؛ دو جلد؛ تهران: نگاه، چ هفتم، ۱۳۹۲.
۱۲. دیوان؛ نظیری نیشابوری، محمدحسین؛ تصحیح و تعلیقات: محمدرضا طاهری (حسرت)؛ تهران: نگاه، چ اول، ۱۳۷۹.
۱۳. سبک شناسی ۲؛ شمیسا، سیروس؛ تهران: پیام نور، چ دوم، ۱۳۷۳.
۱۴. سبک شناسی شعر پارسی (از رودکی تا شاملو)؛ غلامرضایی، محمد؛ تهران: چاپ گلشن، ۱۳۷۷.
۱۵. صائب و شاعران معروف سبک هندی؛ سجادی، علی محمد؛ انتشارات پیام نور؛ چ هفتم، ۱۳۸۱.

۱۶. عمل صالح (شاهجهان نامه) ؛ کنبو، محمد صالح؛ چاپ کلکته، سالهای ۱۹۲۳-۱۹۳۹.
۱۷. کاروان هند ؛ گلچین معانی، احمد؛ ج اول ؛ تهران: انتشارات آستان قدس، چ اول، ۱۳۶۹.
۱۸. گلشن معانی (شرح بعضی از ابیات مشکله فارسی) ؛ نظمی تبریزی؛ انتشارات کتابفروشی خیام؛ ۱۳۶۴.
۱۹. مآثر الکلام (موسوم به سرو آزاد) ؛ آزاد بلگرامی ، میر غلامعلی ؛ ج ۲ ؛ حیدرآباد : چاپ سربی، ۱۹۱۳.